وطن امروز

روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی

صاحب‌امتیاز: مهرداد بذرپاش

مدیرمسؤول: محمد آخوندی سردبیر: رضا شکیبایی

نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج) کوچه سعید، پلاک ۹

روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تحریریه: ۶۶۴۱۳۷۸۳

نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷ پیام‌گیر: ۶۶۴۱۳۹۴۲

سازمان آگهی‌ها: ۶۱۰۸۶۱۶۳ پیامک: ۱۰۰۰۲۲۳۱

پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir

چاپ: شرکت رواق روشن مهر

افق تهران

اذان ظهر:	۱۳:۰۶	غروب آفتاب:	۲۰:۲۳
اذان مغرب:	۲۰:۴۴	نیمه‌شب شرعی:	۰۰:۱۲
اذان صبح فردا:	۴:۰۲	طلوع آفتاب:	۵:۴۹

کلام نور

خداوند مجاهد در راه خود را صد درجه در بهشت بالاتر از دیگران رفعت می‌دهد که فاصله میان هر دو درجه از زمین تا آسمان است.

حضرت محمد (ص)

تقویم امروز

- درگیری منافقین با مردم و نیروهای انقلابی- ۱۳۶۰ ش
- انفجار بمب در حرم مطهر امام رضا(ع) توسط منافقین کوردل در عاشورای حسینی- ۱۳۷۳ش
- شکست «حافظ محمد پاشا» سردار عثمانی از «شاه عباس صفوی» در جنگ بغداد- ۱۰۳۳ ق

■ قاب روز

روسیه ـ تماشای مسابقات جام جهانی فوتبال در خیابان

تیتر دو

ادامه از صفحه اول

در حالی که بارقه‌های نبوغ فردی قهرمانان‌مان در کشتی و وزنه‌برداری و تکواندو و جودو، پرچم‌مان را در المپیک‌های متوالی بالا نگه داشته است، والیبال و بسکتبال و هندبال و فوتبال ایران با حضور متوالی در بزرگ‌ترین جام‌های بین‌المللی، فرصت تجربه تحرکات اجتماعی هماهنگ و عظیم را فراهم کرده‌اند که برای زنده ماندن یک ملت انقلابی ضروری است. به‌رغم پروپاگاندای ضدایرانی رسانه‌های زنجیره‌ای و شرکتی غربی، این پدیده اجتماعی چیزی نیست که از دید مربیانی بزرگ با رویکردی راهبردی و علمی به ورزش پنهان بماند. نه فقط کارلوس کی‌روش که برخی از پیشروترین و صاحب‌سبک‌ترین مربیان والیبال، بسکتبال و فوتبال در جهان در سال‌های اخیر متوجه رشد ورزشی و اجتماعی کشور ما شده و برای کار به ایران آمده‌اند، در حالی که دیگر ثابت شده برای چنین حرفه‌ای‌هایی مستعد بودن بستر کار مهم‌تر از درآمد مالی آنچنانی است که در شیخ‌نشین‌های عربی و اخیرا چین انتظارشان را می‌کشد، چون آنها به دنبال ردپایی در تاریخ هستند نه تفریح.

این فقط کی‌روش نیست که از رشد همه‌جانبه ورزش ما برای طراحی و تعریف سبکی کاملا جدید در فوتبال ملی در قالب یک گروهان و نه فقط یک گروه از بازیکنان بهره برده است. برانکو ایوانکوویچ ۱۲ سال پیش در آخرین حضورش روی نیمکت تیم‌ملی در جریان جام‌جهانی ۲۰۰۶ آلمان، به دستیارانش گفته بود در حال الهام گرفتن از هندبال در تاکتیک‌های دفاعی خود است. قطعا در آن دوران الهام‌بخش اصلی او «اتو رهاگل» سرمربی آلمانی عجیب و غریب تیم‌ملی فوتبال یونان بود که ۲ سال جلوتر با تکیه بر تاکتیک‌های فضاگیری و یارگیری مبتنی بر سنت بسکتبال این کشور، موفق شده بود آنچه را بزرگ‌ترین شگفتی تاریخ فوتبال نامیده شد با قهرمان کردن تیمش در یورو ۲۰۰۴ مقابل تیم‌های پرستاره اروپا رقم بزند. این نوآوری‌ها همواره در بطن فوتبال جریان داشته و به همین دلیل طی یک قرن و نیم از ورزش دانشگاهی خشن و راگبی مانند انگلیسی‌ها به آوردگاه جهانی برای ۷ میلیارد ساکن کره خاکی تبدیل شده است. هر ملتی تلاش کرده مزیت‌های خود را در قالب فوتبال به کار بگیرد تا در تورنمنت‌های بزرگ سری بین سرها در آورد.

برزیلی‌ها و آرژانتینی‌ها مهارت‌های فردی فوتبال ساحلی و خیابانی‌شان را، ژرمن‌ها برنامه‌ریزی و سازماندهی ماشینی‌شان، مجارهای جادویی دهه ۱۹۵۰ سنت سیرک‌های کولی، روس‌ها نظم آهنین شوروی، هلندی‌ها هنر پست‌مدرن‌شان، فرانسوی‌ها فلسفه اجتماعی‌شان، اسپانیایی‌ها هنرمندی‌شان و پرتغالی‌ها فردیت اجتماعی‌شان را مبنای قدرتمندترین تیم‌های ملی خود قرار دادند. سبک‌های یک‌جانبه‌تر هم داشته‌ایم؛ کره‌شمالی در جام‌جهانی ۱۹۶۶ انگلیس با یک مشت دونده دوی سرعت، ایتالیا و جهان را غافلگیر کرد و آمریکایی‌ها فوتبال راگبی مانند خود را بسط داده‌اند.

حتی روشی که یونان ۲۰۰۴ برای کنترل و پوشش فضاهای کلیدی نزدیک به ۲ دروازه ابداع کرد، خیلی جدید نبود و از دفاع کمربند سوییسی متداول در مرکز اروپا و سپس کالچوی ایتالیا در دهه‌های ۱۹۴۰ و ۱۹۵۰ الهام گرفته بود. یارگیری توأم با فضاگیری هم اتفاقی جدید نبود و کامرون ۱۹۹۰، پاراگوئه ۱۹۹۸، سنگال ۲۰۰۲ و اوکراین ۲۰۰۶ به لطف همین روش‌های دفاعی که آن زمان هنوز ضد فوتبال خوانده می‌شد، به جمع ۸ تیم برتر جام‌جهانی رسیده بودند. اما تلفیق دفاع پوششی منطقه‌ای توسط یونانی‌های تنومند با فضاگیری و یارگیری خاص بسکتبال که ورزش اصلی‌شان محسوب می‌شود، یک انقلاب در فوتبال مدرن ایجاد کرد که حالا در حال تکثیر است. هر کشوری که تبحری در ورزش‌های توپ و تور دارد می‌تواند به این انقلاب بپیوندد. درباره تیم انقلابی کی‌روش می‌توان چنین دستورالعملی را فرض کرد:

پوشش دفاعی ۲ یا چند لایه در اطراف هجده قدم خودی، تنگ کردن فضای حرکتی حریف در کانال‌های کناری و میانی، کشتی گرفتن با توپ یا بدون توپ با بازیکنان حریف در این فضاهای تنگ، مرتکب شدن خطاهای فنی مداوم یا زدن تکل‌های شیرجه‌ای برای گرفتن شهامت حرکات پا به توپ از حریفان تکنیکی‌تر، بلند کردن توپ از سطح زمین و در حقیقت دور کردن آن از زیر پای بازیکنان خلاق حریف، پرتاب مستقیم توپ به دورترین نقاط در طول و عرض زمین، فرار و گریزهای مداوم انفجاری در فواصل ۳۰-۲۰ متری با بازیکنان حریف به دنبال توپ همراه با پرش‌های بی‌پایان برای هد زدن و تصاحب توپ روی هوا که ستاره‌های اسپانیایی و پرتغالی را دچار فرسایش فیزیکی و ذهنی کند، حمله به حریف صاحب توپ در اسرع وقت و خلع سلاح او با این تز مورینیویی که تیمی که بیشتر توپ را در اختیار دارد بیشتر اشتباه می‌کند، اقدام به حملات سریع (برک) به سمت دروازه حریف از کوتاه‌ترین مسیر ممکن، اوت کردن یا اوت گرفتن مداوم و پرتاب‌های بلند اوت دستی.

در نهایت اصل طلایی این سبک، از جریان انداختن بازی به هر قیمت ممکن از جمله خطا کردن یا خطا گرفتن برای تبدیل زمان مسابقه به بازه‌های کمتر از یک دقیقه‌ای است که در حقیقت جریان مسابقه را به صدها موقعیت ایستگاهی تدافعی یا تهاجمی تجزیه می‌کند که می‌توان از قبل روی آنها برنامه‌ریزی و تمرین کرد.

خواه شما این رویکرد را میانبر تاکتیکی بنامید یا فرافکنی فوتبالی، این هم نوعی از فوتبال است که به شیوه خود تکامل یافته و مشروعیت و حتی مقبولیت دارد. در حقیقت به جای ضد فوتبال می‌توان از واژه «فرافوتبال» برای آن استفاده کرد. این واژه زمانی معنای حقیقی خود را می‌یابد که بازی پرفشار داخل زمین با کنش‌های هواداران در ورزشگاه تکمیل شود. مصداقی کامل از آنچه برای ایران در کریستوفسکی رخ داد.

در همین روسیه ۲۰۱۸ رویکرد فرافوتبالی آشکاری را در دور اول بازی‌های گروهی شاهد بوده‌ایم و برخی نتایج حتی شگفت‌آورتر از پیروزی ایران بر مراکش بوده‌اند. ایسلند کوچک‌ترین ملت حاضر در جام‌جهانی با همین ترتیب آرژانتین را یک-یک متوقف کرد و سوییس با همین سبک، برزیل مدعی دیگر قهرمانی را. حتی روسیه که با یکی از ضعیف‌ترین تیم‌های ملی‌اش جام را میزبانی می‌کند، با وجود بازی تهاجمی‌اش مقابل سعودی نگون‌بخت و ضعیف، به شکل کاملا مشهودی تلاش ناکام ماه‌های اخیر خود برای ارائه فوتبالی استاندارد را کنار نهاده و «بوریس چرچسف» عناصر اصلی سبکی فرافوتبالی را به کار گرفته است.

کارلوس کی‌روش مداوم با این انتقاد مواجه است که لیگ داخلی را رصد نمی‌کند و به لژیونرها اهمیت بیشتری می‌دهد اما در حقیقت رجعتی کاملا بومی در طراحی سبک بازی ملی داشته است. بازی‌های تدارکاتی پیش از جام‌جهانی و دیدار مقابل مراکش نشان داد تیم‌ملی تا چه اندازه وامدار پرش‌های مداوم همانند والیبال یا چرخش‌های سریع و توانایی تنه به تنه شدن با حریفان است. فوتبال غریزی (خیابانی)، والیبال و کشتی مهم‌ترین ورزش‌های بومی ما هستند و مزیت این تیم علاوه بر چشمه‌های فوتبال جوهری و فردی که بویژه در فرارها و دریبل‌های جهانبخش، قدوس، شجاعی و امیری می‌بینیم، در سابقه والیبالی آزمون و انصاری‌فرد و کشتی‌گیری رضاییان و ابراهیمی نیز هست. در عین حال آنچه کی‌روش از بازیکنانش طلب می‌کند، استاندارد بسیار بالای آمادگی فیزیکی و روانی و همین‌طور قدرت بازیخوانی و ارتباط با کادر فنی است یعنی شاخص‌هایی که اغلب باشگاه‌های بزرگ داخلی ما بازیکنان‌شان را موظف به حفظ آنها نمی‌دانند. به قول محسن معتمدکیا، دستیار رسانه‌ای تیم‌ملی، این پرتغالی ۶۵ ساله که حداقل یک دهه از سن حقیقی‌اش جوان‌تر به نظر می‌رسد، با همان دیسیپلین و سختگیری خاصی که در حق خود روا می‌دارد موفق شده شاگردانش را هم ملزم به رعایت استانداردهای مشترک فنی و اخلاقی کند. او یک تیم کاملا یکدست، منضبط و عاری از ستاره‌سالاری ساخته و در حقیقت همین برگ برنده اصلی کی‌روش مقابل ۳ مربی رقیبش یعنی «ارو رنارد» سرمربی فرانسوی مراکش، شاگرد سابقش در رئال «فرناندو هیرو» سرمربی تازه‌کار اسپانیا و دیگر شاگرد سابقش «فرناندو سانتوس» سرمربی پرتغال است. آنها برای کنترل ستاره‌ها و فوق‌ستاره‌های‌شان در قالب یک تیم واحد هیچ ابزار مطمئنی ندارند. همین که تک‌روی «لوپتگی» سرمربی ماتادورها تا هفته پیش، اردوی اسپانیا را به هم ریخت، نشان می‌دهد ایجاد فضای مشترک تیمی در یک تیم‌ملی چه کار طاقت‌فرسایی است.

حتی شاید بتوان گفت تاکید کی‌روش بر انتخاب بازیکنانی که به زبان خارجی مسلط بوده یا تجربه لیگ‌های اروپایی را داشته باشند به دلیل نیازی بوده که او به درک مشترک با آنها و جلب اعتماد صد در صدی شاگردانش برای پیاده کردن «فرافوتبال» مورد نظرش داشته است. حتی می‌توان تاکید او بر حضور شجاعی در ترکیب ثابت را به‌خاطر زبان اسپانیولی دانست، آنقدر که می‌توان گفت کی‌روش روی قدرت رهبری یا آمادگی فنی هافبکش چنین حسابی باز نکرده است.

■ **مسیر مشابه حماسه ایرانی با ادیسه یونانی**

جمعه گذشته ایران به نخستین آسیایی تبدیل شد که پس از ۸ سال در جام‌جهانی طعم پیروزی را می‌چشد. این مشابه تجربه یک دهه پیش والیبال‌مان است، زمانی که رکوردهای آسیایی را شکستیم و به دنبال قیاس خود با بقیه جهان و جایگاهی فراقاره‌ای پوسته آسیایی‌مان را هم شکستیم و امروز پای ثابت لیگ جهانی و لیگ ملل هستیم. این همان انگیزه‌ای است که اینک در کمپ باکوفکای مسکو موج می‌زند و بدون تردید دیروز با ورود ملی‌پوشان‌مان به آغوش شهر کازان، بهشت مسلمان‌نشین روسیه مضاعف شده است.

طبق همان گفته دوست روس‌مان، ما دیگر نباید از اسپانیا و پرتغال بترسیم، چرا که با آنها در ورزشی جدید به نام «فرا فوتبال» مواجه می‌شویم، در ورزشگاه‌هایی که در کنترل هواداران پرشمار ایرانی و روس و در تسخیر سلاح استراتژیک‌مان روی سکوهاست؛ بوق زلزله‌ای ایرانی به سبک «وو وو زلای» هواداران آفریقایی.

تجربه یونان ۲۰۰۴ نیز به ما دلگرمی می‌دهد. مسیر «فرا فوتبال» شگفتی‌ساز رهاگل در حالی پیش روی نسخه ایرانی‌اش قرار گرفته که در یورو نیز اسپانیا و پرتغال میزبان رقبای اصلی یونان بودند اما مردان المپ در مقابل آنها یک برد و یک پیروزی کسب کردند. عجیب آنکه یونانی‌ها مغلوب ضعیف‌ترین تیم گروه یعنی روسیه شدند اما باز هم صعود کردند. حال در جام ۲۰۱۸ نیز ما با شکست مراکش وارد گروه رقابت مستقیم بر سر صعود در کنار اسپانیا و پرتغال شده‌ایم در حالی که مراکش هنوز قابلیت امتیازگیری از ۲ قدرت اروپایی و عقب انداختن آنها از ما در این گروه اختصاصی را دارد. به عبارت دیگر ما با تنها ۲ تساوی می‌توانیم صعودی تاریخی را جشن بگیریم آن هم در حالی که ۲ رقیب بزرگ‌مان هر یک با دریافت ۳ گل از یکدیگر در بازی نخست، مزیت اصلی ما را که سخت گل خوردن است ندارند.

مشابهت حماسه نه چندان غیرممکن ایران ۲۰۱۸ با ادیسه یونان ۲۰۰۴ زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم ما هم یک روسیه در گروه‌مان داریم که به عنوان میزبان جام نه‌تنها سد راه‌مان نیست، بلکه به ما پر و بال هم می‌دهد. استقبال ویژه روس‌ها از ایرانیان و حتی حمایت آشکارشان از تیم‌ملی در مسکو و پترزبورگ بر کسی پوشیده نیست. همچنین حضور بیش از ۵۰ هزار ایرانی در شهرهای میزبان تیم‌ملی عملا باعث شده تا ایران میزبان دوم رقابت‌ها باشد. احساس میزبانی مزیتی است که هیچ‌گاه در یک جام‌جهانی فوتبال نداشته‌ایم. قطعا امشب در ورزشگاه کازان‌آرنا هم سردار آزمون و هموطنانش روی سکوها و در فضای عمومی ورزشگاه از ماتادورها پیش بوده و میزبان محسوب می‌شوند. همه اینها باعث می‌شود بوی شگفتی در هوا موج بزند و با ایمان بیشتری چشم به حماسه‌ای بدوزیم که «فرافوتبال» ایرانی می‌تواند در کازان و سارانسک و شاید حتی پس از آن در سوچی و مسکو و دوباره پترزبورگ و کازان خلق کند. لحظه خودباوری فرا رسیده است.

دیدگاه

ادامه از صفحه اول

... افرادی که به جهت جلوگیری از بی‌ارزش شدن پس‌اندازشان دست به این اقدام می‌زنند یا دلالانی که از قبل خرید و فروش و احتکار به گرانی کمک می‌کنند؛ هیچ کدام از این سه گروه به احتمال زیاد به این کمپین نمی‌پیوندند و عملا این کمپین انجام نخواهد شد. بزرگ‌ترین مشکل کنونی که محصول سیاست‌های غلط اقتصادی است «دلالی» و «سوداگری» است که به واسطه افزایش افسارگسیخته همان نقدینگی مورد اشاره رخ داده و صاحبان سرمایه را پولدارتر کرده است. در این وضعیت بخش اعظمی از مردم که اساسا پولی ندارند تا بخرند و بفروشند؛ پولدارها خودشان می‌خرند و می‌فروشند و متوقف به کمپین‌ها نمی‌شوند.

۷- جماعت شرکت‌کننده در این کمپین عمدتا «سلبریتی»ها هستند و این توصیه را برای فالوئرهای‌شان انجام داده‌اند؛ حال آنکه آن فالوئر بخت برگشته سطح زندگی این سلبریتی را ندارد- که اگر داشت خودش را امروز تبدیل به یکی از همین شاخ‌های اینستا کرده بود!- عاملان به این کمپین اتفاقا باید خود سلبریتی‌ها باشند که هر روز با برندی جدید خودنمایی می‌کنند! خودروی خارجی جدید سوار می‌شوند و.... در این مقام البته مساله «تکاثر» حائز اهمیت است؛ کسانی که «انباشت سرمایه» بالایی دارند و با آن «تفاخر» می‌کنند همین سلبریتی‌ها از جمله آقای علی کریمی هستند که می‌توانند با کوچک کردن این انباشت و فخرفروشی، به فقرزدایی کمک کنند. فقر و تکاثر نتایج حاصل از فعالیت سرمایه‌داران در اقتصاد است، نمی‌شود بسادگی اجازه داد سازوکارهای بر مدار سرمایه‌داری و تکاثر در جامعه شما هم کار کند و هم تقویت شود و شما در انتها منتظر باشید فقر نباشد. اگر تکاثر به معنای کثرت امکانات بناحق متداول شده است، منطقا باید فقر هم وجود داشته باشد.

۸- در مواجهه با افزایش قیمت‌های این روزها نمی‌توان تک‌عاملی به مسائل نگاه کرد، قطعا هم دست‌های پنهان یا همان دلال‌ها و دزدهای معرفی‌شده در این کمپین برای سودجویی‌شان موثرند، هم اثر روانی و غیرواقعی وجود دارد و هم رفتار غلط اقتصادی برخی مردم کمک‌کننده به نابسامانی است اما بیشتر از همه تصمیم‌های غلط اقتصادی دولتمردان است که تشدیدکننده است و برای حل مشکلات گرانی ابتدا باید آن تصمیمات اصلاح شود؛ تصمیم غلط در سیاست‌های وارداتی، تصمیم غلط در سیاست‌های ارزی، تصمیم غلط در کنترل سکه و از بین بردن پشتوانه طلا برای ریال که همه این تصمیمات هم به رونق اقتصادی ضربه می‌زند و هم به ارزش پول ملی که در نهایت منجر به کاهش قدرت خرید مردم شده است.

۹- در این وضعیت جامعه با تحریم کردن هم مشکلی حل نمی‌شود، بلکه آنچه مشکل‌گشاست این است که «#به_هم_رحم_کنیم» و بدانیم این مواجهه صاحب سرمایه با مردم چه بلایی بر سر کل جامعه می‌آورد! و البته آنکه به جای توجه به توصیه‌های سطحی و هیجانی سلبریتی‌ها، نسخه‌های منطقی و عقلانی اقتصاددانان را مورد توجه قرار دهیم و به کار ببندیم و ای کاش آقای کریمی و دیگر سلبریتی‌ها در بزنگاه سرنوشت‌ساز مردم را دعوت به #تکرار یک اشتباه با یک تصمیم هیجانی نمی‌کردند و به دولتی که مملو از همان تجار، وارداتچی‌ها و دلالان است رای نمی‌دادند که حالا با این وضع اقتصادی مواجه باشیم!

آب‌وهوا

ابوموسی	۴۱ / ۲۸	زنجان	۳۲ / ۱۳
اراک	۳۵ / ۱۸	ساری	۳۱ / ۲۱
اردبیل	۲۷ / ۱۰	سمنان	۳۶ / ۲۵
ارومیه	۳۱ / ۱۶	سنندج	۳۷ / ۱۳
اصفهان	۳۷ / ۲۴	شهرکرد	۳۳ / ۹
اهواز	۴۷ / ۳۱	شیراز	۴۰ / ۲۰
ایلام	۳۳ / ۱۹	قزوین	۳۶ / ۱۵
بجنورد	۳۲ / ۲۰	قم	۴۰ / ۲۲
بندرعباس	۴۱ / ۲۸	کرج	۳۵ / ۱۹
بوشهر	۳۶ / ۳۰	کرمان	۳۸ / ۱۹
بیرجند	۳۵ / ۱۹	کرمانشاه	۳۵ / ۱۷
تبریز	۳۲ / ۱۸	گرگان	۳۵ / ۲۱
تهران	۳۷ / ۲۴	مشهد	۳۳ / ۱۹
خرم‌آباد	۴۰ / ۱۶	همدان	۳۲ / ۱۲
رشت	۳۱ / ۲۰	یاسوج	۳۷ / ۱۶
زاهدان	۳۷ / ۲۱	یزد	۴۱ / ۲۶

نگاه

هیچ دلیل حقوقی برای اعاده پرونده وجود نداشت

ادامه از صفحه اول

به فاصله کوتاهی درخواست اعاده دادرسی (دادرسی دوباره) توسط وکیل مدافع محمد ثلاث به دیوان عالی کشور ارائه و همزمان در رسانه‌های زنجیره‌ای مطرح می‌شود. همان ایام وکیل مدافع ثلاث در گفت‌وگو با ایسنا ابراز امیدواری می‌کند با توجه به اسناد و مدارکی که به دیوان عالی کشور ارائه داده است، اعاده دادرسی تجویز شود و پرونده دوباره مورد رسیدگی قرار گیرد اما این اتفاق نمی‌افتد و پس از دیدار نهایی محمد ثلاث با اعضای خانواده‌اش در ابتدای هفته جاری، قطعی بودن اعدام وی به خانواده‌اش اعلام می‌شود. به این ترتیب موج جدید رسانه‌ای حول عدم موافقت دیوان عالی کشور با درخواست اعاده دادرسی توسط محمد ثلاث شروع می‌شود.

اما بعد از خبر اعدام در صبح روز دوشنبه تاکنون رد شدن درخواست اعاده دادرسی محمد ثلاث توسط دیوان عالی کشور به یکی از سوژه‌های فضای مجازی تبدیل شده اما تحلیل حقوقی واقعه خالی از لطف نیست.

طبق ماده ۴۷۴ قانون آیین دادرسی کیفری: درخواست اعاده دادرسی درباره احکام محکومیت قطعی دادگاه‌ها اعم از آنکه حکم مذکور به اجرا گذاشته شده یا نشده باشد در موارد زیر توسط دیوان عالی کشور پذیرفته می‌شود:

الف- کسی به اتهام قتل شخصی محکوم شود و سپس زنده بودن وی محرز گردد.

ب- چند نفر به اتهام ارتکاب جرمی محکوم شوند و ارتکاب آن جرم به گونه‌ای باشد که نتوان بیش از یک مرتکب برای آن قائل شد.

پ - شخصی به علت انتساب جرمی محکوم شود و فرد دیگری نیز به موجب حکمی از مرجع قضایی به علت انتساب همان جرم محکوم شده باشد به طوری که از تعارض و تضاد مفاد ۲ حکم، بیگناهی یکی از آنان احراز گردد.

ت- درباره شخصی به اتهام واحد، احکام متفاوتی صادر شود.

ث- در دادگاه صالح ثابت شود اسناد جعلی یا شهادت خلاف واقع گواهان، مبنای حکم بوده است.

ج- پس از صدور حکم قطعی، واقعه جدیدی حادث یا ظاهر یا ادله جدیدی ارائه شود که موجب اثبات بیگناهی محکومٌ‌علیه یا عدم تقصیر وی باشد.

چ- عمل ارتکابی جرم نباشد یا مجازات مورد حکم بیش از مجازات مقرر قانونی باشد.

حال سوال اینجاست: درخواست اعاده دادرسی توسط وکیل مدافع ثلاث با استناد به کدام‌یک از موارد بالاست و چطور است که یک عضو از جامعه حقوقی حاضر می‌شود بدون مستندات قانونی و با استفاده از ابزارهای رسانه‌ای رسانه‌های معاند مدعی حقانیت شود. سوال بزرگ‌تر اما جای دیگری است: چطور ممکن است بعضی رسانه‌های داخلی کشور به دفاع بدون مستندات قانونی از فردی می‌پردازند که به مشهودترین حالت ممکن مرتکب ۳ فقره قتل عمد شده است و به تلخ‌ترین شیوه ممکن توسط اتوبوس، جوانان حافظ امنیت کشور را به شهادت رسانده است. آیا رسانه‌های حامی امروز محمد ثلاث توان پاسخ به سوالات مطرح شده را دارند؟

به جای «تحریم خرید کالا»؛ «به هم رحم کنیم»!

سلام وطن
۶۶۴۱۳۹۴۲